



Research Article

The Comparison of the Effectiveness of Parent-Child Interaction Training and Adler-Dreikurs Parenting Training on Improving the Quality of the Parent-Child Relationship in divorced Mother's Children

Safdar Rostami ¹, Hasan Toozandehjani ^{2,*}, Hamid Nejat ³

¹ PhD Candidate of General Psychology, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

² Associate Professor, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

³ Assistant Professor, Department of Psychology, Quchan Branch, Islamic Azad University, Quchan, Iran

* **Corresponding author:** Hasan Toozandehjani, Associate Professor of Psychology, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. E-mail: H.Toozandehjani@ymail.com

DOI: [10.21859/nkjmd-110307](https://doi.org/10.21859/nkjmd-110307)

How to Cite this Article:

Rostami S, Toozandehjani H, Nejat H. The Comparison of the Effectiveness of Parent-Child Interaction Training and Adler-Dreikurs Parenting Training on Improving the Quality of the Parent-Child Relationship in divorced Mother's Children. *J North Khorasan Univ Med Sci.* 2019; **11**(3):46-55. DOI: [10.21859/nkjmd-110307](https://doi.org/10.21859/nkjmd-110307)

Received: 15 Jan 2019

Accepted: 01 Jun 2019

Keywords:

Parent-child Interaction
Parenting
Parent-child Relationship
Single Parent

Abstract

Introduction: Children of divorce experience many psychological and social problems during their future lives and they need to be trained and supported. Therefore, this study aimed to investigate and compare the effectiveness of Parent-Child Interaction and Adler-Dreikurs method on the quality of Parent-Child Relationship in divorced mother's children.

Methods: The present study was a semi-experimental, pre-test, post-test, and control group. The statistical society included divorced mothers referred to psychology and counseling organization centers of Mashhad city during 2017. Among them, 60 parents with their children selected and randomly assigned into two experimental and control groups. The Parent-Child Interaction group received 15 sessions, Adler-Dreikurs approach trained for 10 sessions, and the control group did not receive any intervention. Data were collected using a Parent-Child Relationship Scale (PCRS) in three stages of pre-test, post-test and follow-up. For analyzing the data, analysis of variance with repeated measurement was performed using SPSS-21 software.

Results: Multi factor analysis of variance with repeated measurements indicated that training the mothers in two Parent-Child Interaction and Adler-Dreikurs approaches improves the quality of parent-child relationship. The Adler-Dreikurs approach training was more effective than control and parent-child interaction groups.

Conclusions: The results indicated that using parent-child interaction and Adler-Dreikurs can improve the parent-child relationship, and the Adler-Dreikurs method is more effective.



مقایسه اثربخشی آموزش تعامل والد-کودک و آموزش فرزندپروری به شیوه آدلر- درایکورس بر بهبود کیفیت رابطه والد-کودک در کودکان طلاق

صفر رستمی^۱، حسن توزنده‌جانی^۲، حمید نجات^۳

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

^۲ دانشیار، گروه روانشناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

^۳ استادیار، گروه روانشناسی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

* نویسنده مسئول: حسن توزنده‌جانی، دانشیار، گروه روانشناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. ایمیل:

H.Toozandehjani@ymail.com

DOI: 10.21859/nkjms-110307

چکیده	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵
مقدمه: کودکان طلاق در طول زندگی با آسیب‌های روانی و اجتماعی فراوانی مواجه می‌شوند و نیاز به آموزش و حمایت دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش تعامل والد-کودک و آموزش فرزندپروری به شیوه آدلر-درایکورس بر کیفیت رابطه والد-کودک، در کودکان طلاق انجام شد.	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱
روش کار: این مطالعه از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری مادران مطلقه مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان درمانی شهر مشهد در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ می‌شد. از این میان ۶۰ نفر همراه فرزندشان به صورت نمونه گیری هدفمند انتخاب و بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل قرار گرفتند. گروه تعامل والد-کودک (۱۵ جلسه) و گروه آدلر-درایکورس (۱۰ جلسه) دریافت کردند، گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. جمع آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ارزیابی رابطه والد-کودک (PCRS) در سه مرحله پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر با بکارگیری نرم افزار SPSS-21 استفاده شد.	واژگان کلیدی: تعامل والد-کودک آموزش والدین رویکرد آدلر-درایکورس تک والد
یافته‌ها: تحلیل واریانس چندمتغیره با اندازه گیر مکرر نشان داد، آموزش به مادران در دو رویکرد تعامل والد-کودک و آدلر-درایکورس باعث بهبود کیفیت رابطه والد-کودک می‌گردد. همچنین اثربخشی آموزش رویکرد آدلر-درایکورس، باعث کاهش بیشتر آزدگی در رابطه والد-کودک می‌گردد.	
نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که با به کار گیری آموزش تعامل والد-کودک و آدلر-درایکورس می‌توان رابطه والد-کودک را بهبود بخشید و در این میان شیوه آدلر-درایکورس اثر بخشی بیشتری دارد.	

مقدمه

[۷]. پیامدهایی مانند کاهش نظم و ثبات، تضاد بین اعضای خانواده و کاهش کیفیت ارتباط در خانواده‌های طلاق شایع است [۸]. کاهش کیفیت رابطه والد-کودک، پیش‌بینی کننده عدم سازگاری و مشکلات ارتباطی و انطباقی کودکان بعد از طلاق است [۹]. فرزندپروری به عنوان وظیفه اصلی والدین در فرآیند رشد کودکان اثر محوری دارد و تأثیر غیر قابل انکاری بر روابط والد-فرزندی و متغیرهای مربوط به سلامت کودک می‌گذارد [۱۰].

با توجه به اهمیت نقش والدین در زندگی فرزندان، گاهی اوقات موثرترین و متداولترین درمان برای کاهش مشکلات کودکان آموزش والدین است [۱۱]. آموزش والدین بر اساس رویکردهای مختلفی انجام می‌گیرد و محققان در میزان اثربخشی مدل‌های مختلف با یکدیگر توافق ندارند [۱۲]. انواع برنامه‌های آموزش والدین در دو طبقه کلی قرار می‌گیرند که عبارتند از: ارتباطی و رفتاری، طبقه ارتباطی دربرگیرنده مداخلات با سه رویکرد آدلری، انسان‌گرایانه و روان‌پویایی است؛ از

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که فروپاشی آن تنها بر زوجین اثر نمی‌گذارد. مشکلات کوتاه مدت و دراز مدتی که بعد از طلاق والدین گریبان گیر کودکان می‌شود گاهی جبران ناپذیر است. این اثرات به قدری گسترده است که برخی پژوهشگران معتقدند کودکان بیشتر از والدین متضرر می‌شوند [۱]. براساس نظریه نظام‌های هر تغییر که برای یکی از اعضای خانواده رخ دهد بر تمامی اعضای خانواده اثر می‌گذارد. فرزند تک والد، ناخواسته درگیر تضادهایی می‌گردد که نه توان درک آن را دارد و نه تاب کنار آمدن با آن‌ها را [۲]. آسیب‌های طلاق والدین در این کودکان به شکل مشکلات سلامتی، روانی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند به طوری که اختلالات شخصیت [۳]، سوء تغذیه [۴]، بیماری‌های جسمی [۵] و رفتارهای بزهکارانه [۶] در فرزندان تک والد بیشتر از کودکان در خانواده‌های دو والد است. عدم سازگاری کودکان با طلاق والدینشان می‌تواند اثرات زیان بار و مخربی روی کارکرد روانشناختی - اجتماعی و حتی وضعیت جسمانی آن‌ها بگذارد

همچنین با توجه به این که مطالعات گسترده‌ای در خصوص اثربخشی مقایسه‌ای این دو شیوه درمانی انجام نشده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش تعامل والد- کودک و آموزش فرزند پروری به شیوه آدلر- درایکوس بر بهبود کیفیت رابطه والد- کودک، کودکان طلاق انجام شده است.

روش کار

کد اخلاق این پژوهش به شماره IR.IAU.NEYSHABUR.REC.1397.004 می‌باشد.

روش پژوهش حاضر، نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون- آزمون پیگیری بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران مطلقه‌ای می‌شد که به دلیل مشکلات رفتاری فرزندشان، در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ به کلینیک‌های سطح مشهد مراجعه می‌کردند. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای تصادفی صورت گرفت بدین صورت که ابتدا از میان مناطق سیزدهگانه مشهد یک منطقه به روش تصادفی انتخاب شد و لیست مراکز مشاوره از اداره بهزیستی شهر مشهد تهیه گردید. جهت نمونه‌گیری محقق به مراکز مشاوره مراجعه و با توضیح اهداف و شرایط تحقیق از آنها جهت همکاری دعوت گردید. ارزیابی اولیه و شرایط ورود به تحقیق توسط مسئول فنی هر مرکز صورت گرفت و سپس نمونه‌ها به محقق معرفی شدند. با توجه روش پژوهش و همچنین این موضوع که در تحقیقات آزمایشی تعداد نمونه‌ای بین ۱۵ تا ۲۰ نفر در هر گروه مورد قبول است [۲۰] در مطالعات مشابه تعداد ۱۵ نفر برای هر گروه انتخاب شده است [۲۱]. بنابراین مجموعاً تعداد ۶۰ نفر از مادرانی که شرایط ورود به مطالعه را داشتند به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و به روش تصادفی ساده در گروه‌های مداخله بر اساس آدلری- درایکوس (۲۰ نفر)؛ تعامل کودک- والد (۲۰ نفر) و شاهد (۲۰ نفر) جایگزین شدند. ملاک‌های ورود شامل موارد زیر می‌شد: از طلاق مادر بیش از دو سال گذشته باشد؛ مادر سرپرست خانوار باشد؛ سواد مادر حداقل در سطح راهنمایی باشد؛ کودک حداقل ۷ سال تمام داشته باشد، تمایل به شرکت در مطالعه داشته باشد؛ مادر به دلیل مشکلات رفتاری کودک جهت درمان به مراکز مشاوره مراجعه کرده باشد. جلسات گروهی در محل یکی از مراکز صورت گرفت. ملاک‌های خروج عبارت بودند از بیماری روانی شدید مادر یا کودک، وجود بیماری جسمی ناتوان کننده کودک؛ غیبت در دو جلسه آموزشی. روش اجرا به این صورت بود که قبل از اجرای پرسشنامه (پیش آزمون) همسو با ملاک‌های اخلاقی انجمن روانشناسی آمریکا و نظام نامه اخلاقی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، در این پژوهش به شرکت کنندگان درباره تحقیق و شرایط آن (تعداد و مدت جلسات، زمان ارزیابی‌ها، تخصیص تصادفی، محرمانه ماندن اطلاعات شخصی و حق خروج از تحقیق در هر زمانی که مایل هستند) توضیح داده شد و رضایت آگاهانه اخذ شد. افزون بر آن، به شرکت کنندگان گروه شاهد (فهرست انتظار) پیشنهاد شد که در صورت تمایل می‌توانند پس از اتمام پژوهش تحت جلسات آموزشی- درمانی قرار گیرند. سپس پیش آزمون برای هر سه گروه اجرا شد. سپس این مادران به صورت تصادفی در سه گروه ۲۰ نفری جایگزین شدند. بعد از مشخص شدن نمونه‌ها و جایگزینی تصادفی آنها در سه گروه، با مادران طی چندین مرحله تماس گرفته شد و بعد از هماهنگی‌های لازم با آنها دوره‌های آموزشی در یکی

سوی دیگر طبقه رفتاری، مداخلاتی با رویکرد رفتاری و یادگیری اجتماعی را در برمی‌گیرد [۱۳].

درمان مبتنی بر تعامل والد- کودک از پیشینه نظری و پژوهشی گسترده‌ای برخوردار است و بر این فرض استوار می‌باشد که بهبود تعامل والد- کودک منجر به بهبود عملکرد خانواده و کودک خواهد شد [۱۴]. درمان مبتنی بر تعامل والد- کودک، یک رویکرد درمانی است که تکنیک‌های رفتاری و سنتی را در درمان مشکلات رفتاری کودکان، یکپارچه می‌کند، هدف از ایجاد درمان مبتنی بر تعامل والد- کودک این بود که از سوء رفتاری که والدین با فرزندانشان دارند، جلوگیری به عمل آید [۱۳]. همچنین در این درمان اهدافی همچون بهبود کیفیت رابطه والد- کودک، کاهش مشکلات و مسائل رفتاری و افزایش مهارت‌های والدینی شامل انضباط مثبت و کاهش استرس والدینی دنبال می‌شوند [۱۵]. بوگز و همکاران (۲۰۰۴) تاکید می‌کنند، درمان تعامل والد- کودک بوسیله تشویق رابطه مثبت والد- کودک و آموزش والدین به این که چطور با ثبات باشند و تکنیک‌های غیر خشونت آمیز را بکارگیرند، کمک می‌کند تا رفتارهای چرخه‌ای منفی والد- کودک شکسته شود [۱۶] اثربخشی این روش در فراتحلیل انجام شده توسط کندی و همکارانش تأیید شده است [۱۴]. آموزش والدین روش دیگری است اثربخشی آن بر رابطه والد- کودک در مطالعات مختلف تأیید شده است [۱۷]. این آموزش‌ها شامل آموزش فرزندپروری مؤثر (گام به گام) و آموزش کارآمدی والدین می‌باشد. «آموزش نظام فرزندپروری کارآمد» یک برنامه استاندارد شده آموزش والدین است که توسط دینک مایر و مکی با استفاده از مفاهیم آدلر و درایکوس برای کمک به والدین تدوین شده است تا آنها را در درک کودکان و برقراری ارتباط مثبت کارآمد سازد [۱۸]. به اعتقاد درایکوس کودک مشکل دار چهار ویژگی ضروری (۱. تعلق داشتن به دیگران ۲. داشتن توانایی مراقبت از خود ۳. ارزشمندی و ارزش قائل شدن دیگران برای فرد، ۴. دلگرم بودن) را ندارد. این چهار ویژگی ضروری در ادبیات آدلر- درایکوس را نیازهای حیاتی نامیده‌اند، زیرا این چهار عامل، بنیادی برای پرورش کودکانی هستند که می‌توانند با چالش‌های دوره‌های زندگی برخورد کنند [۱۴]. در کنار انسجام نظری رویکرد آدلر- درایکوس، پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه نیز از تأثیرات مثبت این مدل آموزشی- درمانی بر کیفیت رابطه والد- کودک حمایت کرده‌اند. برای مثال، مک ویتی و بست (۲۰۰۹) به این نتیجه دست یافتند که آموزش والدین به شیوه آدلری، باعث تغییرات معنادار رفتاری و ارتباطی والد- کودک می‌شود [۱۹]. اثربخشی روشهای فرزندپروری بر اساس رویکردهای رفتاری و ارتباطی در مطالعات مختلف مورد تأیید قرار گرفته است [۱۴، ۱۶-۱۹].

کودکان طلاق در ابعاد مختلف رفتاری و ارتباطی در مقایسه با کودکان دو والد مشکلاتی دارند [۲-۶]. هر چند مطالعات کمی اثربخشی آموزش والدین به روش آدلری- درایکوس و تعامل والد کودک بررسی کرده‌اند. از طرفی مطالعه‌ای که این دو رویکرد را در کودکان طلاق بررسی کرده باشد یافت نشد. با توجه به مؤثر بودن والدین (بویژه مادر) و کیفیت رابطه مادر- فرزند به عنوان زمینه ساز مشکلات احتمالی کودکان و از سوی دیگر آسیب‌های ناشی از طلاق و تأثیر آن بر رشد روانی- اجتماعی و جنبه‌های مختلف زندگی روانشناختی کودکان طلاق، پرداختن و شناسایی مداخلات تأثیر گذار بر آن از اهمیت بسزایی برخوردار است.

از سه کلینیک انتخاب شده برگزار گردید. ترکیب گروه‌ها بدین صورت بود: گروه آزمایشی اول مادرانی که آموزش بر اساس رویکرد تعامل والد - کودک بر اساس نظریه آیرگ، نلسون، دوک و بوگز (۲۰۰۹) را دریافت کردند. گروه آزمایشی دوم مادرانی که تحت آموزش رویکرد آدلر-درایکورس قرار گرفتند و گروه سوم شامل مادرانی که جزء گروه شاهد بودند و هیچ آموزش جانبی دریافت نکردند. قبل از شروع جلسات آموزشی کودکان پرسشنامه ارزیابی کیفیت رابطه والد-کودک (PCRS) را تکمیل نمودند، سپس مادران گروه اول آزمایش، آموزش رویکرد تعامل والد و کودک شامل ۱۵ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای یکبار بصورت گروهی دریافت کردند. مادران گروه دوم آزمایش، آموزش رویکرد آدلر درایکورس شامل ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای یکبار بصورت گروهی دریافت کردند و مادران گروه سوم شاهد، هیچ آموزشی دریافت نکردند. سپس بعد از اتمام دوره‌های آموزشی برای فرزندان هر سه گروه پس از آزمون اجرا گردید. پس از اجرای پس آزمون و در پیگیری نیز متغییر یادشده بعد از گذشت دوماه اجرا شد.

ابزار تحقیق: در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه زیر استفاده شد:

ابزار تحقیق: در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه زیر استفاده شد:

ابزار تحقیق: در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه زیر استفاده شد:

پرسشنامه ارزیابی رابطه والد-کودک (PCRS)

این مقیاس توسط مارک آ. فاین، جی. آر. مورلند، و اندرو اسچوویل (۱۹۸۳) ساخته شده و از ۲۴ گویه تشکیل شده که به منظور سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان بکار می‌رود. مؤلفه‌های این پرسشنامه شامل عاطفه مثبت، آزردهی، همانندسازی و ارتباط می‌باشد. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای که گویه‌های شماره ۹، ۱۳ و ۱۴ بصورت معکوس نمره گذاری و سپس نمرات گزینه‌ها جمع می‌شوند و بر تعداد گزینه‌های هر عامل تقسیم می‌شود (میانگین هر خرده مقیاس). نمره کل، مجموع میانگین خرده مقیاس‌ها است. مقیاس رابطه والد - فرزندی با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده

جلسات درمانی تعامل والد-کودک

مدل درمانی PCIT که در این پژوهش اجرا شده است بر اساس نظریه آیرگ، نلسون، دوک و بوگز (۲۰۰۹) تنظیم شده است که شامل ۱۵ جلسه یک ساعته، هفته‌ای یک جلسه گروهی، برای هدایت رابطه والد-کودک بود [۲۳].

جلسات درمانی آدلر-درایکورس

مدل درمانی آدلر-درایکورس که در این پژوهش اجرا شده است، بر پایه نظریه آدلر و تکنیک‌های همکار آدلر، درایکورس، تنظیم و محتوای برنامه آموزشی از کتاب‌های درایکورس بنام‌های - کودکان خوشبخت- روابط دموکراتیک و احترام متقابل- فنون مدیریت کلاس و انضباط بدون اشک و همچنین مقاله ملک شاهی [۲۴] اقتباس گردید. این محتوی بر اساس رویکردهای تربیتی این نظریه و بر اساس اهداف این پژوهش تدوین شده و سپس به تأیید اساتید صاحب نظر در این زمینه رسیده است، اعتبار و روایی آن نیز بر پایه میزان اثر بخشی برنامه گزارش شده است. این محتوای شامل ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای یک جلسه گروهی بود.

جدول ۱: محتوی جلسات برنامه درمانی تعامل والد-کودک

جلسه	محتوی
جلسه اول	ارزیابی اولیه و تعیین جهت گیری درمان
جلسه دوم	آموزش مهارت‌های تعامل کودک محور (بدون حضور کودک)
جلسه سوم	هدایت و تمرین مهارت‌های تعامل کودک محور با (حضور کودک)
جلسه چهارم	هدایت گری همراه با توضیح موضوع الگوگیری کودکان از والدین (با حضور کودک)
جلسه پنجم	هدایت گری همراه با تأکید بر موضوع دریافت حمایت (با حضور کودک)
جلسه ششم	هدایت گری با تأکید بر موضوع استرس کودکان با (حضور کودک)
جلسه هفتم	آموزش مهارت‌های تعامل والد محور (بدون حضور کودک)
جلسه هشتم	هدایت گری با (حضور کودک)
جلسه نهم	هدایت گری همراه با آغاز تعمیم دهی مهارتها به خارج از اتاق بازی (با حضور کودک)
جلسه دهم	هدایت گری با (حضور کودک)
جلسه یازدهم	هدایت گری همراه با آموزش تنظیم قوانین خانگی با (حضور کودک)
جلسه دوازدهم	هدایتگری همراه با آموزش مدیریت رفتار در اماکن عمومی با (حضور کودک)
جلسه سیزدهم	هدایت گری در یک مکان عمومی با (حضور کودک)
جلسه چهاردهم	هدایت گری و حل مسائلی که مانع اتمام درمان هستند (با حضور کودک)
جلسه پانزدهم	فارغ التحصیلی با (حضور کودک)

جدول ۲: محتوی جلسات برنامه درمانی آدلر-درایکوس

جلسه	محتوی
جلسه اول	اطلاعات ضروری در مورد ماهیت، شیوع، سیر، پیش آگهی، سبب شناسی، تبیین هدف برنامه و قوانین گروه، تأکید بر نقش خانواده
جلسه دوم	اصول شکل گیری رفتار و درک کودک و شناخت انگیزه‌های او برای بروز رفتارهای نامطلوب
جلسه سوم	نقش و اهمیت آموزش و کاربرد عملی روش دلگرمسازی و تأکید بر نکات مهم
جلسه چهارم	شناخت اهداف اشتباه‌های کودکان در انجام رفتارها و هدایت کودکان برای انجام رفتارهای مشارکتی و مطلوب
جلسه پنجم	بررسی اشتباه‌های رایج در تنبیه و تشویق و استفاده از پیامدهای طبیعی و منطقی
جلسه ششم	عدم اهمیت دادن والدین به عاداتهای بد کودکان،
جلسه هفتم	جلوگیری از سرزنش بیش از حد و پرخاشگری در قبال مشکلات رفتاری کودک
جلسه هشتم	جلب مشارکت کودک در انجام کارهای مربوط به زندگی مشترک در محیط‌های گوناگون زندگی کودک
جلسه نهم	پیشگیری از توجه و حمایت بیش از حد از کودک
جلسه دهم	آموزش چگونگی برانگیختن استقلال در کودک

یافته‌ها

آموزش تعامل والد-کودک و آموزش رویکرد آدلر-درایکوس، در مرحله پس از آزمون و پیگیری نسبت به پیش از آزمون، افزایش چشم‌گیری داشته است. این تغییر در گروه گواه مشاهده نمی‌شود. قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر، پیش‌فرض‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. لذا برای اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌های بدست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، برای مفروضه همگنی واریانس‌ها از آزمون لون و برای فرض کرویت، آزمون کرویت بارتلت مورد استفاده قرار گرفت. همانطور که مشاهده می‌شود، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در هیچ یک از متغیرها معنادار نمی‌باشد، بنابراین پیش‌فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها رعایت شده است. همچنین آزمون لون در هیچ یک از متغیرها معنادار نمی‌باشد که نشان دهنده این است که واریانس‌های متغیرها همگن هستند. فرض کرویت برای همه مؤلفه‌های رابطه والد - کودک محقق شده است. با توجه به رعایت شدن تمام پیش فرض‌های مورد نظر، بنابراین آزمون تحلیل واریانس با اندازه گیری های مکرر قابل اجراست. نتایج کلی آزمون تحلیل واریانس با اندازه گیری‌های مکرر در جدول ۵ ارائه شده است.

اعضای گروه آموزش تعامل والد-کودک، ۵ درصد تحصیلات راهنمایی، ۳۵ درصد دیپلم، ۱۵ درصد فوق دیپلم و ۴۵ درصد لیسانس، اعضای گروه آموزش رویکرد آدلر-درایکوس، ۴۰ درصد تحصیلات دیپلم، ۱۵ درصد فوق دیپلم، ۳۵ درصد لیسانس و ۱۰ درصد فوق لیسانس، اعضای گروه گواه، ۵ درصد تحصیلات راهنمایی، ۴۰ درصد دیپلم، ۱۵ درصد فوق دیپلم، ۳۰ درصد لیسانس و ۱۰ درصد فوق لیسانس داشتند. میانگین سنی مادران در گروه تعامل والد-کودک ۳۲/۲ سال، در گروه آموزش رویکرد آدلر-درایکوس ۳۳/۹۵ سال و در گروه گواه نیز ۳۲/۷۵ سال بود. مقایسه گروهها از نظر سن کودک ($X^2 = 1/5, P = 0/20$)؛ سن مادر ($X^2 = 0/36, P = 0/82$)؛ جنس کودک ($X^2 = 0/76, P = 0/53$)؛ تحصیلات مادر ($X^2 = 0/19, P = 0/66$) شغل مادر ($X^2 = 1, P = 0/30$) نشان داد گروهها از نظر این متغیرها همگن بوده و تفاوت آماری معناداری ندارند. در جدول ۳ میانگین و انحراف معیار متغیرهای رابطه والد - کودک در اعضای گروههای کنترل و گروههای مداخله در مرحله پیش از آزمون، پس از آزمون و پی گیری ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد میانگین نمرات مؤلفه‌های عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط در گروه

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی نمرات رابطه والد کودک گروهها در پیش از آزمون، پس از آزمون و پی گیری

گروه	تعداد	پیش از آزمون	پس از آزمون	پی گیری
رویکرد آدلر - درایکوس				
عاطفه مثبت	۲۰	۶/۶۵ ± ۲۸/۱۶	۷/۱۹ ± ۴۳/۳۵	۶/۴۴ ± ۴۸
آزردگی	۲۰	۲/۶۸ ± ۲۶/۲۰	۲/۶۳ ± ۲۰/۱۰	۲/۲۳ ± ۱۶/۱۵
هماندسازی	۲۰	۲/۷۲ ± ۱۷/۳۰	۳/۰۷ ± ۲۴	۱/۹۳ ± ۲۵/۵۵
ارتباط	۲۰	۵/۴۲ ± ۲۵/۴۰	۵/۲۸ ± ۳۳/۱۵	۶/۰۱ ± ۳۷/۳۵
رابطه والد-فرزند	۲۰	۱۱/۶۹ ± ۹۹/۸۵	۱۲/۳۱ ± ۱۲۱/۲۰	۱۰/۹۱ ± ۱۲۷/۸۰
رویکرد تعامل والد-کودک				
عاطفه مثبت	۲۰	۴/۵۶ ± ۲۶/۱۰	۵/۴۸ ± ۳۷/۲۰	۵/۹۹ ± ۴۰/۲۵
آزردگی	۲۰	۳/۵۲ ± ۲۸/۷۰	۳/۳۱ ± ۲۳/۵۰	۲/۹۵ ± ۲۰/۱۰
هماندسازی	۲۰	۲/۰۷ ± ۱۶/۷۵	۲/۵۶ ± ۲۰/۸۰	۲/۳۴ ± ۲۳/۳۵
ارتباط	۲۰	۴/۵۱ ± ۲۴/۹۵	۵/۵۰ ± ۳۰/۸۵	۵/۷۳ ± ۳۵/۵۰
رابطه والد-فرزند	۲۰	۶/۳۵ ± ۹۷/۴۰	۶/۸۶ ± ۱۱۲/۳۵	۷/۸۰ ± ۱۱۹/۲۰
گروه گواه				
عاطفه مثبت	۲۰	۸/۲۴ ± ۲۹/۵۵	۸/۰۴ ± ۳۴/۷۰	۷/۹۲ ± ۳۷/۲۵
آزردگی	۲۰	۳/۴۵ ± ۲۹/۸۵	۳/۸۱ ± ۲۷/۹۵	۳/۵۱ ± ۲۷/۸۰
هماندسازی	۲۰	۲/۱۶ ± ۱۷/۶۰	۲/۰۶ ± ۱۸/۵۰	۱/۶۳ ± ۱۸/۴۵
ارتباط	۲۰	۴/۱۱ ± ۲۴/۲۰	۴/۸۵ ± ۲۵/۴۵	۵/۵۱ ± ۲۵/۹۵
رابطه والد-فرزند	۲۰	۷/۸۴ ± ۱۰۱/۰۵	۷/۴۸ ± ۱۰۱/۵۵	۸/۱۲ ± ۱۰۶/۷۵

مقادیر داخل جدول به صورت میانگین ± انحراف معیار بیان شده‌اند.

جدول ۴: بررسی پیش فرض‌ها

بررسی فرض کرویت موجلی			آزمون لون (برای اطمینان از همگنی واریانس‌ها)				آزمون کولموگروف-اسمیرنوف				متغیرهای وابسته		
Epsilon	Sig.	Df	χ^2	Mauchly's W	Sig.	Df2	Df1	F	Sig.	Z	اسمیرنوف		
Lower-bound	Huynh-Feldt	Greenhouse-Geisser											
۰/۵۰	۰/۸۹	۰/۸۴	۰/۰۳	۲	۱۱/۳	۰/۸۱	۰/۰۶	۵۷	۲	۲/۸	۰/۳۰	۰/۹۷	عاطفه مثبت
۰/۵۰	۰/۹۷	۰/۹۱	۰/۰۶	۲	۵/۳	۰/۹۰	۰/۵۳	۵۷	۲	۰/۶	۰/۷۲	۰/۶۹	آزردگی
۰/۵۰	۱	۰/۹۷	۰/۴۸	۲	۱/۴	۰/۹۷	۰/۳۶	۵۷	۲	۱/۰	۰/۰۷	۱/۲۷	هماندسازی
۰/۵۰	۰/۷۷	۰/۷۳	۰/۰۱	۲	۲۵/۰	۰/۶۳	۰/۳۱	۵۷	۲	۱/۱	۰/۶۳	۰/۷۴	ارتباط

جدول ۵: تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر دو گروه آزمایشی و گروه کنترل

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	متوسط مجذورات	F	معنی داری مشاهده شده	مجذور اتای سهمی
عاطفه مثبت						
درون آزمودنی						
زمان	۶۱۵۰/۲۷	۱/۷۹	۳۴۲۰/۵۸	۴۹۶/۰۶	۰/۰۰۰۱***	۰/۸۹
زمان * گروه بندی	۷۸۷/۰۲۲	۳/۵۹	۲۱۸/۸۵	۳۱/۷۳	۰/۰۰۰۱***	۰/۵۲
خطا	۷۰۷/۷	۱۰۲/۴۸	۶/۸۹			
بین آزمودنی						
گروه	۱۳۴۳/۴۷	۲	۶۸۱/۷۳	۵/۳۴	۰/۰۰۷**	۰/۱۵
خطا	۷۲۷۶/۳	۵۷	۱۲۷/۶۵			
آزردگی						
درون آزمودنی						
زمان	۱۴۶۴/۴	۲	۷۳۲/۲	۱۴۸/۱۹	۰/۰۰۰۱***	۰/۴۷۲
زمان * گروه بندی	۳۶۳/۶۶	۴	۹۰/۹۱	۱۸/۴۰	۰/۰۰۰۱***	۰/۳۹
خطا	۵۶۲/۲۶	۱۱۴	۴/۹۴			
بین آزمودنی						
گروه	۱۷۹۹/۶۳	۲	۸۹۹/۸۱	۴۴/۶	۰/۰۰۰۱***	۰/۶۱
خطا	۱۱۴۹/۹۸	۵۷	۲۰/۱۷			
هماندسازی						
درون آزمودنی						
زمان	۸۸۵/۸۱	۲	۴۴۲/۹	۱۹۲/۹۸	۰/۰۰۰۱***	۰/۷۷
زمان * گروه بندی	۳۳۶/۵۵	۴	۸۴/۱۳	۳۶/۶۶	۰/۰۰۰۱***	۰/۵۶
خطا	۲۶۱/۶۳	۱۱۴	۲/۲۹			
بین آزمودنی						
گروه	۵۰۴/۴۷	۲	۲۵۲/۲۳	۲۱/۶۶	۰/۰۰۰۱***	۰/۴۳
خطا	۶۶۲/۷۶	۵۷	۱۱/۶۴			
ارتباط						
درون آزمودنی						
زمان	۱۹۹۴/۴۳	۱/۵۵	۱۲۸۵/۲۳	۱۶۲/۲۷	۰/۰۰۰۱***	۰/۷۴
زمان * گروه بندی	۶۲۶/۳۳	۳/۱	۲۰۱/۸	۲۵/۴۸	۰/۰۰۰۱***	۰/۴۷
خطا	۷۰۰/۵۶	۸۸/۴۵	۷/۹۲			
بین آزمودنی						
گروه	۱۵۱۰/۵۳	۲	۷۵۵/۲۶	۱۰/۷۳	۰/۰۰۰۱***	۰/۲۷
خطا	۴۰۰۸/۹۳	۵۷	۷۰/۳۳			
رابطه والد کودک						
درون آزمودنی						
زمان	۱۰۶۱۵/۰۳	۲	۵۳۰۷/۵۱	۲۴۲/۳	۰/۰۰۰۱***	۰/۸۱
زمان * گروه بندی	۳۲۹۱/۸۳	۴	۸۲۲/۹۵	۳۷/۵۷	۰/۰۰۰۱***	۰/۵۶
خطا	۲۴۹۷/۱۳	۱۱۴	۲۱/۹			
بین آزمودنی						
گروه	۵۲۰۰/۹۳	۲	۲۶۰۰/۴۶	۱۲/۸۲	۰/۰۰۰۱***	۰/۳۱
خطا	۱۱۵۵۶/۰۱	۵۷	۲۰۲/۷۳			

برای بررسی و مقایسه دقیق تر اثربخشی آموزش به مادران مبتنی بر دو رویکرد تعامل والد- کودک و آدلر- درایکورس بر هر یک از مؤلفه‌های کیفیت رابطه والد- کودک از آزمون تحلیل واریانس تک متغیره با اندازه گیری مکرر استفاده شد.

همان طور که مشاهده می‌شود، نمرات پس‌آزمون و پی گیری عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط اعضایی که در گروه آموزش تعامل والد- کودک و در گروه آموزش رویکرد آدلر- درایکورس شرکت داشتند، نسبت به اعضای گروه گواه، افزایش معناداری داشته است ($P < 0/01$). نمرات آزدگی اعضای دو گروه آزمایش نسبت به اعضای گروه گواه کاهش معناداری داشته است ($P < 0/001$). همچنین دو گروه مداخله نیز با یکدیگر تفاوت نشان دادند بدین ترتیب که تفاوت میانگین در گروه آدلر درایکورس بیشتر از گروه آموزش تعامل والد-کودک بود. بنابراین در تمامی مؤلفه‌ها و نمره کل رویکرد آدلر درایکورس تأثیر بیشتری نشان داد ($P < 0/05$).

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بین اثربخشی آموزش به مادران مبتنی بر دو رویکرد تعامل والد- کودک و آدلر- درایکورس بر کیفیت رابطه والد- کودک تفاوت معنادار یافت می‌شود. به بیانی دیگر، تمامی تقابل‌ها و اثرات تعاملی بین متغیرهای مستقل دو رویکرد درمانی مذکور (سه مرحله آزمون و عضویت گروهی) هم در آزمون اثر پیلاپی و هم در آزمون لامبدای ویکز به طور کلی در سطح ($P > 0/05$) معنادار است. از آنجا که مقدار معنی داری کمتر از خطای $0/05$ باشد می‌توان پذیرفت که نمرات متغیرهای تحقیق در بین گروه‌های آموزشی در طی مقطع پس آزمون و پیگیری تغییر یافته‌اند و مدل معنادار است، بطوریکه در مؤلفه‌های کیفیت رابطه والد-کودک در سطح $P > 0/01$ در مقایسه بین گروهی، درون گروهی و زمان اثربخشی معنادار دیده شد. این یافته‌ها حاکی از این هستند که بین اثربخشی آموزش به مادران مبتنی بر دو رویکرد تعامل والد- کودک و آدلر- درایکورس بر کیفیت رابطه والد- کودک تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶: تحلیل واریانس ابعاد رابطه والد- کودک در دو گروه آزمایشی و گروه کنترل

گروه	اختلاف میانگین‌ها	معنی داری مشاهده شده
عاطفه مثبت		
رویکرد آدلر-درایکورس		
رویکرد تعامل والد- کودک	۵/۴۶	۰/۰۳۱
گواه	۶/۱۵	۰/۰۱۳
رویکرد تعامل والد- کودک		
گواه	۰/۶۸	۱
آزدگی		
رویکرد آدلر-درایکورس		
رویکرد تعامل والد- کودک	-۳/۲۸	۰/۰۰۱
گواه	-۷/۷۱	۰/۰۰۰۱
رویکرد تعامل والد- کودک		
گواه	-۴/۴۳	۰/۰۰۰۱
همانندسازی		
رویکرد آدلر-درایکورس		
رویکرد تعامل والد- کودک	۱/۹۸	۰/۰۰۷
گواه	۱/۴	۰/۰۰۰۱
رویکرد تعامل والد- کودک		
گواه	۲/۱۱	۰/۰۰۴
ارتباط		
رویکرد آدلر-درایکورس		
رویکرد تعامل والد- کودک	۱/۵۳	۰/۹۶
گواه	۶/۷۶	۰/۰۰۰۱
رویکرد تعامل والد- کودک		
گواه	۵/۲۳	۰/۰۰۴
رابطه والد کودک		
رویکرد آدلر-درایکورس		
رویکرد تعامل والد- کودک	۶/۶۳	۰/۰۴۰
گواه	۱۳/۱۶	۰/۰۰۰۱
رویکرد تعامل والد- کودک		
گواه	۶/۵۳	۰/۰۴۴

بحث

می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان داد که اثربخشی آموزش‌های مبتنی بر دو رویکرد تعامل والد - کودک و آدلر - درایکورس بر مؤلفه آزدگی

نتایج حاکی از این بود که آموزش به مادران مبتنی بر دو رویکرد تعامل والد- کودک و آدلر- درایکورس باعث بهبود کیفیت رابطه والد-کودک

رشدی، چگونگی رشد مهارت‌های اجتماعی او و مداخلات آموزشی و درمانی مؤثر برای کودکان پیدا کنند، نحوه کنترل و مهار رفتارهای چالش آفرین کودکان را یاد بگیرند و نگرش مثبت‌تری درباره روند پیشرفت کودکان داشته باشند و در نهایت فشار کمتری را به کودکان برای یادگیری نحوه برخورد درست در اجتماع، اعمال کنند [۲۷]. این موضوع باعث می‌شود چالش‌ها و تنش‌های بین والد و کودک کاهش یابد و والدین، استرس کمتری را در رابطه با مسائل فرزندشان تجربه کنند و متعاقباً رابطه بهتری را با فرزندشان تجربه کنند [۳۸]. بنابراین همانگونه که انتظار می‌رفت پس از شرکت مادران در جلسات آموزش مبتنی بر تعامل والد - کودک، کیفیت رابطه والد - کودک بهبود یافت.

در تبیین تأثیرات مثبت آموزش مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس بر بهبود کیفیت رابطه والد - کودک باید به تأثیرات این روش آموزشی - درمانی بر مهارت‌های ارتباطی والدین و فرزندان اشاره کرد. رویکرد آدلر در کار با والدین که بر اساس دیدگاه نظری وی گسترش یافته است، بر بهبود توانمندی‌های ارتباطی والدین با فرزندان، تصحیح نگرش آن‌ها در رابطه با شیوه‌های فرزندپروری و افزایش حس صمیمیت با فرزندان و دلگرم سازی آنها با استفاده از تقویت اجتماعی متمرکز است [۳۹]. در واقع نظریه آدلر بر این اصل مبتنی است که ارتباط است که باعث رشد و یا ناتوانی می‌گردد و بر این اساس، مداخلاتی که طراحی می‌کند، ارتباط را مورد هدف قرار می‌دهد که در آن والدین باعث دلگرمی کودکان خود شده و در مقابل فرزندان به انعطاف پذیری بیشتری دست می‌یابند، این والدین با تشویق فرزندان به صحبت کردن، از رفتارهای غیرمنعطف، کنکاو و دخالت خود می‌کاهند [۱۱]. در تبیین اثربخشی آموزش مادران با رویکرد آدلر - درایکورس بر بهبود تعامل والد - کودک می‌توان به تأثیرات مثبت آموزش روش‌های ارتباطی مناسب با کودکان و تنظیم رفتار اجتماعی و همچنین بهبود نحوه برخورد مادران با مسائل کودکان اشاره کرد. تحقیقات مختلف نشان داده است که مشکلات فرزندان طلاق در بافت یک رابطه ضعیف و آسیب زای بین والد و فرزند شکل می‌گیرد و متقابلاً بر کیفیت این ارتباط تأثیر می‌گذارد [۴۰].

همچنین اینکه نگرش‌های صمیمانه و عدم کنترل‌گری والدین پیش‌بین معکوس صفات نافرمانی و لجبازی در کودکان و پیش‌بین مستقیم تعاملات اثربخش و مطلوب بین والد و کودک است [۴۱]. از سوی دیگر عدم پذیرش و کنترل‌گری والدین با سرکشی کودکان و درگیر نشدن در روابط عاطفی با والدین همبستگی دارد [۴۲]. با توجه به توصیفاتی که از برنامه آموزش مادران با رویکرد آدلر - درایکورس ذکر شد مشخص است که این رویکرد، نگرش ارتباطی والدین نسبت به فرزندان و نیازهای آنان و هم چنین تأثیر رفتار والدین بر وضعیت روانشناختی فرزندان را مورد توجه قرار می‌دهد و قابل پیش‌بینی است که پس از شرکت در این برنامه، تعامل مادر - کودک، بهبود یابد.

اگرچه پژوهش‌هایی از این دست که به بررسی مقایسه این دو رویکرد بپردازند اندک می‌باشند، از مقایسه مبانی نظری رویکرد تعامل والد - کودک، که تلاش می‌کند با آموزش مهارت‌هایی به والدین رابطه‌های پاسخگو، نادیده گرفتن رفتارهای منفی، انعکاس رفتارهای کودک و استفاده از توصیف رفتاری و همچنین مبانی نظری رویکرد آدلر - درایکورس، که بر اساس فرزند پروری دموکراتیک از طریق اجتناب از تنبیه، توجه به نتایج منطقی رفتار، تمایز بین انضباط و تنبیه، روش‌های

کیفیت رابطه والد - کودک متفاوت است، بدین صورت که آموزش‌های مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس، باعث کاهش بیشتر مؤلفه آزرده‌گی در رابطه والد - کودک می‌گردد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات عباسی و نشاط دوست [۲۵] مهاجری، پوراعتقاد، شکری و خوشابی [۲۶] کندی و همکاران [۱۶]، لنگ و همکاران [۲۷]، پینکاس، ایربرگ و کوت [۲۸]، باسینگ، بوگز، دانلی، جکورد و آیرگ [۲۹] و مک دیارمید و بگنز [۳۰] که به تأثیرات مثبت آموزش تعامل والد - کودک بر بهبود کیفیت رابطه والد - کودک اشاره کرده‌اند، همخوانی دارد. اما با پژوهش اسپرودر و کلی [۳۱] که در آن ارتباط میان محیط خانواده و روش‌های والد‌گری و کارکردهای اجرایی کودکان با و یا بدون اختلال بیش‌فعالی بررسی شده ناهمخوان است.

همچنین این نتایج با یافته‌های سروی [۳۲]، اسماعیلی نسب و همکاران [۳۳] و آلیس و نیگ [۳۴] که به تأثیرات مثبت آموزش مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس بر بهبود کیفیت رابطه والد - کودک اشاره کرده‌اند، همسو می‌باشد. اما این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های دادلی [۳۵] و فالزونه [۳۶] که نشان دادند آموزش والدین به شیوه آدرلی تغییری در شیوه فرزند پروری مقتدرانه مادران ایجاد نمی‌کند، ناهمسو می‌باشد.

در تبیین اثربخشی آموزش مبتنی بر تعامل والد - کودک بر بهبود کیفیت رابطه والد - کودک باید به تأثیرات این رویکرد آموزشی - درمانی بر بهبود مهارت‌های ارتباط با کودک و برخورد با مشکلات روانی کودکان در فرایند آموزش اشاره کرد. تحقیقات نشان داده است که زمانی که والدین در روند درمان کودکان درگیر شوند، پیامدهای مثبت درمان دو چندان می‌شود [۲۵]. شرکت والدین در روند درمان‌هایی که برای مشکلات والد - کودک انجام می‌شود، برای وضعیت روانشناختی والدین اثرات مفیدی را به همراه دارد. این بهبود سلامت و وضعیت روانشناختی والدین مسلماً در نحوه برخورد با فرزند تأثیر می‌گذارد و متعاقباً پیامدهای مثبتی را برای رابطه والد - کودک به همراه دارد [۳۷]. در تحقیق حاضر این موضوع به این صورت نمود پیدا کرد که مادرانی که در جلسات آموزش مبتنی بر تعامل والد - کودک شرکت داشتند، از میزان استرس و درماندگی‌شان در مواجهه با مسائل روانشناختی کودکان کاسته شد. این موضوع باعث شد مادران حس کنند از اوضاع روانشناختی بهتری برخوردارند و در رابطه با فرزندشان، بهتر می‌توانند واکنش‌های هیجانی آسیب‌زا را کنترل کنند. متعاقباً این پدیده، بر احساسی که نسبت به نقش مادری خود دارند نیز تأثیر مطلوب داشت و باعث بهبود کیفیت رابطه والد - کودک می‌شد.

آموزش‌های مبتنی بر تعامل والد - کودک، دانش و مهارت‌های ضروری را برای بهبود کیفیت تعامل کودک - والد فراهم می‌آورد و به والدین کمک می‌کند تا مشکلات رفتاری و هیجانی کودک خود را درک کرده و آن‌ها را به خوبی کنترل و مهار کنند [۱۶]. علاوه بر این، آموزش‌های مبتنی بر تعامل والد - کودک از طریق فراهم آوردن اطلاعات مناسب درباره شرایط کودک و نحوه رفتار با او، مکانسیم سازگاری والدین را بهبود می‌بخشد و موجب می‌شود والدین مسیر دشوار رشد کودک خود را بهتر بپذیرند و در پیشرفت کودکان نقش موثرتری داشته باشند [۱].

همچنین شرکت مادران در جلسات آموزش مبتنی بر تعامل والد - کودک، باعث می‌شود که درک درستی از جایگاه کودکان در پیوستار

مداخلات بیشتری در زمینه آموزش شیوه‌های مناسب تعامل با کودک برای والدین در نظر گرفته شود و همچنین برنامه‌ریزی‌های آینده‌نگری برای ایجاد سازوکارهایی در راستای افزایش استفاده از روش‌های آموزش مبتنی بر دو رویکرد تعامل والد-کودک و آدلر-درایکورس در کشور ایران که تاکنون مغفول مانده است، صورت گیرد. با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود از طریق مراکز مشاوره به والدین آموزش داده شود که اگر در تعامل با کودک در عین حال که فرزندشان را کنترل می‌کنند، محبت بی‌شائبه‌ای را نیز نثارش کنند، رفتار آن‌ها بر سلامت روانی کودکشان تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

سپاسگزاری

با تقدیر و تشکر از زحمات اساتید محترم، جناب آقای دکتر تویزنده جانی و جناب آقای دکتر نجات و تشکر ویژه از شرکت کنندگان بخصوص مادران و فرزندانشان که همکاری صمیمانه‌ای در جلسات آموزشی داشتند. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول پژوهش حاضر و دارای کد اخلاق با شماره IR.IAU.NEYSHABUR.REC.1397.004 می‌باشد.

تضاد منافع

این پژوهش هیچ گونه تضاد منافی ندارد.

References

1. Islami M, Haj Hosseini M, Ajeee J. Hope in the attitude of single parents: divorce children. *New Educ Thoughts*. 2017;13(2):25-52.
2. Hossein Y, Hamed M. Issues and Interventions of Children of Divorce in Iran: A Meta-analysis of Articles. *J Woman Fam Stud*. 2015;3(2):91-120.
3. Xu Y, Lin L, Yang L, Zhou L, Tao Y, Chen W, et al. Personality Disorder and Perceived Parenting in Chinese Students of Divorced and Intact Families. *Fam J*. 2015;24(1):70-6. doi: 10.1177/1066480715618652
4. Ntoimo LF, Odimegwu CO. Health effects of single motherhood on children in sub-Saharan Africa: a cross-sectional study. *BMC Public Health*. 2014;14:1145. doi: 10.1186/1471-2458-14-1145 pmid: 25373719
5. Behere AP, Basnet P, Campbell P. Effects of Family Structure on Mental Health of Children: A Preliminary Study. *Indian J Psychol Med*. 2017;39(4):457-63. doi: 10.4103/0253-7176.211767 pmid: 28852240
6. Singh A, Kiran U. Effect of single parent family on child delinquency. *Int J Sci Re*. 2014;3(9):866-8.
7. Alyanak B, Kilincaslan A, Harmanci HS, Demirkaya SK, Yurtbay T, Vehid HE. Parental adjustment, parenting attitudes and emotional and behavioral problems in children with selective mutism. *J Anxiety Disord*. 2013;27(1):9-15. doi: 10.1016/j.janxdis.2012.10.001 pmid: 23247199
8. Brewer MM. The effects of child gender and child age at the time of parental divorce on the development of adult depression: Walden University; 2010.
9. Hsieh MO, Shek DTL. Personal and Family Correlates of Resilience Among Adolescents Living in Single-Parent Households in Taiwan. *J Divorce Remarriage*. 2008;49(3-4):330-48. doi: 10.1080/10502550802221925
10. O'Connell LK, Davis MM, Bauer NS. Assessing parenting behaviors to improve child outcomes. *Pediatrics*. 2015;135(2):e286-8. doi: 10.1542/peds.2014-2497 pmid: 25624384

فرزند پروری ساده و کاربرد دلگرمی است می‌توان فهمید که رویکرد آدلر-درایکورس بر بهبود مؤلفه‌های ارتباط والد-کودک بیشتر تأثیر می‌گذارد و این تأثیر بیشتر ناشی از آموزش‌های دلگرمی است که می‌تواند بر کاهش بیشتر مؤلفه آزردهی اثرگذار باشد. آموزش دلگرمی باعث نگرش و دید مثبت به خود، حس تعلق خاطر داشتن و جرات ناکامل بودن را در افراد افزایش می‌دهد، لذا فرد از آنچه هست احساس ارزش می‌کند، خود را می‌پذیرد و عزت نفسش بالا می‌رود.

هر پژوهشی محدودیت‌هایی دارد. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان استفاده از ابزار خودگزارشی، محدود بودن جامعه آماری و نیز عدم تمایل افراد برای شرکت در این نوع آموزشها را نام برد، لذا قابلیت تعمیم به سایر جامعه‌های پژوهشی را ندارد. همچنین از دیگر محدودیت‌های این پژوهش حضور تک والدی (مادران) در آموزش‌ها بود.

نتیجه‌گیری

مطالعه نشان داد که آموزش تعامل والد-کودک و آموزش فرزند پروری به شیوه آدلر-درایکورس تقریباً به یک میزان بر بهبود کیفیت رابطه والد-کودک مؤثر بودند، اما آموزش فرزند پروری آدلر-درایکورس باعث کاهش بیشتر نمره آزردهی شد که می‌توان آن را به تاکیدات رویکرد آدلر-درایکورس بر عامل دلگرمی در ارتقاء کیفیت رابطه والد-کودک از طریق سبک آزادمنشانه (دموکراتیک)، نسبت داد. با توجه به اهمیت سلامت روانی کودکان و همچنین تأثیرات آموزش این دو رویکرد بر بهبود کیفیت رابطه والد-کودک، نیاز است که

11. Laumann GM. The impact of a school-based intervention program on the divorce adjustment of latency-aged children: An evaluation of the Rainbows program: University of Illinois at Urbana _ Champaign; 2003.
12. Skreitule-Pikse I, Sebre S, Lubenko J. Child behavior and mother-child emotional availability in response to parent training program: moderators of outcome. *Procedia -Soc Behav Sci*. 2010;5:1418-24. doi: 10.1016/j.sbspro.2010.07.299
13. Benjamin GW. Adlerian-based parenting education in Little Haiti: An action research: Union Institute and University; 2004.
14. Kennedy SC, Kim JS, Tripodi SJ, Brown SM, Gowdy G. Does parent-child interaction therapy reduce future physical abuse? A meta-analysis. *Res soc work pract*. 2016;26(2):147-56.
15. Brinkmeyer MY, Eyberg SM. Parent-child interaction therapy for oppositional children. *New York: Guilford*; 2003.
16. Boggs SR, Eyberg SM, Edwards DL, Rayfield A, Jacobs J, Bagner D, et al. Outcomes of Parent-Child Interaction Therapy: A Comparison of Treatment Completers and Study Dropouts One to Three Years Later. *Child Fam Behav Ther*. 2005;26(4):1-22. doi: 10.1300/J019v26n04_01
17. Dreikurs R. [Democratic relations and mutual respect]. Tehran: Danjeh Publishing; 2010.
18. Mosley SD. Effects of Evidence-Based Adlerian Parent Education on Culturally Diverse Parents in Georgia: ProQuest LLC; 2018.
19. McVittie J, Best AM. The Impact of Adlerian-Based Parenting Classes on Self-Reported Parental Behavior. *J Individ Psychol*. 2009;65(3).
20. Delavar A. Research methods in psychology and educational sciences. Tehran: Virayesh; 2007.
21. Dehghan Manshadi SM, Gholamrezaei S, Ghazanfari F. The Effectiveness of Positive Parenting Skills Training on Parental Self-Efficacy and Children's Behavioral Problems in Female-Headed Households in City of Yazd. *Q J Soc Work*. 2016;5(2):20-7.
22. Araghi Y. [Comparison of the Quality of Parent-Child Relationship of Two Groups of Aggressive and Non Aggressive boy Students]. *Psychol Stud*. 2009;4(4):113-29.

23. Eizadifard R, Sobhi Gharamaleki N, AA A. [The effectiveness of parent-child interaction therapy on improving sustained attention of students]. *J Sch Psychol*. 2016;6(1):161-8.
24. Hashemi MS, Alizadeh H, Pezeshk S, Soheili F. The Effectiveness Of Adlerian Parent Training On Executive Functions In Children With Attention Deficit/Hyperactivity Disorder. *Q Psychol Except Individ*. 2017;7(27):135-59.
25. Abbaasi M, Neshatdoost H. [Effectiveness of parent-child interaction therapy on reduction of symptoms in oppositional defiant disorder]. *J Clin Psychol*. 2013;3(19):59-67.
26. Mohajeri A, Pour Etamad H, Shokri O, Khoshabi K. [Effect of parent-child interaction therapy on parenting self-efficacy in mothers of children with high function autism]. *Appl Psychol*. 2013;7(1):25.
27. Leung C, Tsang S, Sin TCS, Choi S-y. The Efficacy of Parent-Child Interaction Therapy With Chinese Families. *Res Soc Work Pract*. 2014;25(1):117-28. doi: 10.1177/1049731513519827
28. Pincus DB, Eyberg SM, Choate ML. Adapting Parent-Child Interaction Therapy for Young Children with Separation Anxiety Disorder. *Educ Treat Child*. 2005;28(2).
29. Bussing R, Boggs S, Donnelly R, Jaccard J, Eyberg S. Parent-child interaction therapy for preschoolers with ADHD. *Neuropsychiatr Enfance Adolesc*. 2012;60(5):S92. doi: 10.1016/j.neurenf.2012.05.379
30. McDiarmid MD, Bagner DM. Parent Child Interaction Therapy for Children with Disruptive Behavior and Developmental Disabilities. *Educ Treat Child*. 2005;28(2).
31. Schroeder VM, Kelley ML. Associations Between Family Environment, Parenting Practices, and Executive Functioning of Children with and Without ADHD. *J Child Fam Stud*. 2008;18(2):227-35. doi: 10.1007/s10826-008-9223-0
32. Sarvey Z. [The Effectiveness of Parental Education with the Stepp Program Based on the Adler- Dreikurs Approach on Improving Mother-Child Interaction in Children with Behavioral Disorders]: Allameh Tabatabaei University; 2017.
33. Esmaeilinasab M, Alizadeh H, Ahadi H, Delavar A, Eskandari H. [The effectiveness of adlerian parent training comparing with behavioral parent training on symptoms amelioration in children with conduct disorder]. *J Except Child*. 2010;10(3):227-36.
34. Ellis B, Nigg J. Parenting practices and attention-deficit/hyperactivity disorder: new findings suggest partial specificity of effects. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry*. 2009;48(2):146-54. doi: 10.1097/CHI.0b013e31819176d0 pmid: 19065110
35. Dodley LE. The effects of " Systematic training for effective parenting" on parents' and children's behavior: The Ohio State University; 1981.
36. Falzone RJ. Changes in family functioning and role satisfaction reported by parents who engage in Systematic Training for Effective Parenting: Boston College; 1994.
37. Sarabi JM, Hassanabadi H, Mashhadi A, Asghari NSM. The effectiveness of parent training on self-efficacy of mothers of children with autism. *J Fundamentals Ment Health*. 2011;13(1):84-93.
38. Matejevic M, Todorovic J, Jovanovic AD. Patterns of Family Functioning and Dimensions of Parenting Style. *Procedia -Soc Behav Sci*. 2014;141:431-7. doi: 10.1016/j.sbspro.2014.05.075
39. Hashemi MS, Alizadeh H, Pezeshk S, Soheili F. The Effectiveness Of Adlerian Parent Training On Executive Functions In Children With Attention Deficit/Hyperactivity Disorder. *Adv Cogn Sci*. 2017;18(4):88-99.
40. Coleman T. Help for Kids With Oppositional Defiant Disorder. 2010.
41. Sapin M, Widmer ED, Iglesias K. From support to overload: Patterns of positive and negative family relationships of adults with mental illness over time. *Soc Netw*. 2016;47:59-72. doi: 10.1016/j.socnet.2016.04.002
42. Akinboye JO. Correlates of testing time, age and sex in the Nigerians' performance on the Torrance test of creativity. *J Psychol Res*. 1982.